

شنبه 27 آبان 29 صفر 1439 - 18 نوامبر 2017

رحلت عالم مجاهد و فقیه جلیل آیت‌الله "شیخ مرتضی آشتیانی" (1325 ش)



رحلت عالم مجاهد و فقیه جلیل آیت‌الله "شیخ مرتضی آشتیانی" (1325 ش)

آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی متخلص به شعله، فرزند میرزا محمدحسن مجتهد آشتیانی در سال 1243 ش (1281 ق) در بیت رفیع مرجعیت و اجتهاد، در تهران به دنیا آمد. وی پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح، و نیز پس از استفاده از محضر والد بزرگوارش، راهی نجف اشرف شد و از درس خارج استادانی همچون میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره‌مند گردید تا به مدارج عالیّه اجتهاد و فقاہت رسید. آیت‌الله مرتضی آشتیانی سپس به ایران مراجعت نمود و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد. او در نهضت تحریم تنباکو، در کنار پدرش برای پیشبرد اهداف نهضت فعالیت کرد و بعد از پدرش، در تهران مرجعیت روحانی یافت. آیت‌الله مرتضی آشتیانی در جریان انقلاب مشروطه نیز یکی از رهبران روحانی در تهران بود که به همین خاطر، عین‌الدوله، از رجال قاجار، او را از تولیت مدرسه مروی برکنار نمود. ایشان همراه با سایر علمای تهران برای پیشبرد امر مشروطه به حرم حضرت عبدالعظیم مهاجرت کرد و تحصن گزید. وی تا آخر کار، مشروطه خواه باقی ماند ولی پس از فتح تهران توسط مشروطه‌طلبان و قبل از کودتای رضاخان در 1299 ش، به مشهد کوچید و وظایف دینی خود را دنبال کرد. آیت‌الله آشتیانی در جریان کشف حجاب، به همراه دیگر بزرگان شهر نامه اعتراض خود را به رضاخان پهلوی فرستاد که متعاقب آن، دستگیری علمیّ مشهد و قیام خونین مسجد گوهرشاد شکل گرفت. ایشان در کنار امور سیاسی و اجتماعی، به لحاظ اخلاص به اهل بیت، زبازد خاص و عام بود به طوری که تمام موالید و وفیات اهل بیت را برپا نموده و با وجود کهولت سن از مردم پذیرایی و گاه خود مدیحه خوانی می‌نمود. ایشان دارای مکاشفات و رؤیاهای صادقه نیز بوده است. آیت‌الله مرتضی آشتیانی سرانجام در 27 آبان 1325 ش برابر با 23 ذی‌حجه 1365 ق در 82 سالگی دارفانی را وداع گفت و در حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد. میرزا محمود آشتیانی، حکیم و فقیه معاصرو اسماعیل آشتیان‌ی، نقاش بزرگ، از فرزندان اویند. مرگ "فرانسوا لاروش و فوکو" نویسنده و فیلسوف برجسته فرانسوی (1680م)

پرنس فرانسوا دوک دو لاروش و فوکو، فیلسوف و نویسنده فرانسوی، در سوم مارس 1613م در خانواده‌ای اشرافی در پاریس به دنیا آمد. وی از دوران جوانی وارد ارتش و سیاست شد، اما پس از حضور در یکی از جنگ‌های داخلی از ارتش کناره گرفت. لاروش و فوکو هم‌چنین پس از چند حضور ناموفق در عرصه سیاست، از این مقوله نیز دست کشید و در پاریس، وارد محافل ادبی شد. وی سپس نخستین اثر خود را با نام خاطرات، منتشر کرد که در واقع به نوعی بررسی وقایع سال‌های میانی سده هفدهم میلادی فرانسه می‌پرداخت. کتاب دیگر لاروش و فوکو با عنوان تفکرات یا حکم، چنان مورد استقبال قرار گرفت که در طی ده سال آخر عمر نویسنده، چهار بار تجدید چاپ شد. این کتاب شامل بیش از پانصد حکمت و مثل است. بخشی از این حکمت‌ها نمایش‌گر روح بشر است که عقل حاکم بر آن از راه اصلی منحرف نمی‌شود؛ اما بخشی دیگر، نشان دهنده مواردی خاص از نظرهاست که یرمینای آن فقط سودجویی باعث حرکت و موتور محرکه آدمی است و البته اقدامات این گروه به صورت مخفی و با ظاهری آراسته و در عین ریاکاری انجام می‌گیرد. در این میان، با وجود برخی مخالفت‌ها، بسیاری از این امثال و حکم در محافل ادبی راه یافت و موجب سرگرمی گشت و اگرچه اندیشه‌ها و نظریه‌های نویسنده، غالباً واقعیت عواطف انسانی و ارزش حقیقی او را نادیده می‌گرفت، قالبی که لاروش و فوکو برای بیان اندیشه‌های خود برگزیده بود، به سبب به کار بردن بسیار به جا و متناسب کلمات و دقت در تکامل شیوه بیان که ثمره کار مداوم و وسواس او بود، ستایش این محافل را برانگیخت. کمتر درس انشا و شیوه نگارش وجود داشت که مانند امثال و حکم، آموزنده باشد. در این کتاب که به کلمات قصار نیز شهرت دارد، لاروش و فوکو به عنوان یک فیلسوف شکاک مطالبی عنوان کرده که برخی از آن‌ها عبارتند از: آن کس که خود را دوست می‌دارد؛ چالوس‌ترین مردم جهان است؛ همه ما به اندازه کافی توانایی تحمل بدبختی‌های دیگران را داریم؛ اعمال نیک ما، اغلب شدیدتر از اعمال بدمان مورد مجازات واقع می‌شود؛ عشق و عدالت فقط ترسی است از تحمل بی‌عدالتی‌ها؛ اگر ما موفق شده‌ایم که بر عواطف خود غلبه کنیم، بیشتر به سبب ضعف عواطف است تا قدرت‌ها؛ تحمل خوش‌بختی بیش از تحمل بدبختی، نشانه فضیلت اخلاقی است و اغلب لجاجت ما ناشی از زبونی و ته‌ورمان ناشی از بزدلی است. این کتاب با عنوان شکوفه‌های جاویدان حکمت، به فارسی ترجمه شده است. فرانسوا لاروش و فوکو در سال‌های پایانی عمر متحمل مصیبت‌های پیاپی خانوادگی و بیماری شد و خود سرانجام در هجدهم نوامبر 1680م در 67 سالگی درگذشت.